

Predigtlesung  
Jesaja 58,1-9a

- 1 خداوند می‌گوید: «صدای خود را بلند کن و فریاد بزن! به قوم من اسرائیل بگو، درباره گناهانشان به آنها بگو!»
- 2 آنها هر روز برای عبادت به نزد من می‌آیند، و می‌گویند که مشتاقند راهها و تعالیم مرا بدانند. آنها می‌گویند از من قوانین عادلانه می‌خواهند، واز پرستش خدای خود خشنود هستند.»
- 3 مردم می‌پرسند: «اگر خداوند توجهی ندارد، چرا ما باید روزه بگیریم؟ اگر او اعتنایی ندارد، چرا ما باید بدون غذا زندگی کنیم؟» خداوند به آنها می‌گوید: «حقیقت این است که شما در همان وقتی که روزه می‌گیرید، به فکر منافع خود می‌باشید و به کارگران خود ستم می‌کنید.
- 4 روزه شما، شما را پرخاشگر ساخته و همیشه در جنگ و جدال هستید. آیا فکر می‌کنید، این نوع روزه باعث می‌شود من به دعای شما گوش کنم؟
- 5 وقتی شما روزه می‌گیرید، بدن خود را رنجور و سرهای خود را مثل پره‌های علف صحرا در برابر باد، خم می‌کنید، و بستر خود را بر پلاس و خاکستر می‌گسترانید. آیا این است آنچه را که شما روزه می‌نامید؟ آیا فکر می‌کنید من از این نوع روزه خشنودم؟
- 6 «روزه‌ای که من می‌پسندم این است: زنجیرهای ستمکاری و یوغهای بی‌عدالتی را بگسلید، و بگذارید ستم‌دیدگان آزاد شوند.
- 7 گرسنگان را در غذای خود سهیم کنید، و در خانه‌های خود را به روی فقیران و بی‌خانمانان باز کنید. به کسانی که چیزی برای پوشیدن ندارند، لباس بدهید و از کمک کردن به اقوام خود دریغ نکنید.
- 8 «در آن صورت، رحمت من مثل خورشید صبحگاهی بر تو خواهد درخشید، و زخمهای تو زود شفا خواهند یافت. من همیشه با تو خواهم بود و تو را نجات خواهم داد، و حضور من تو را از هر جهت حمایت خواهد کرد.
- 9 وقتی دعا کنید به شما پاسخ خواهم داد، و وقتی مرا بخوانید به شما جواب می‌دهم.

**Estomihi**

Seht, wir gehen hinauf nach Jerusalem,  
und es wird alles vollendet werden,  
was geschrieben ist durch die Propheten von dem Menschensohn.  
ما اکنون به اورشلیم می‌رویم و آنچه انبیا درباره پسر انسان نوشته‌اند به حقیقت خواهد پیوست.

Lukas 18,31

Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 022 (Seite 87)

پُشت و پناه من باش؛ و با قدرت خود مرا برهان. تو پناهگاه و پشتیبان من هستی. به خاطر نام خود راهنمای من باش و هدایم کن.  
خداوندا، به تو پناه می‌آورم، شرمسارم مکن.

تو خدای عادل هستی، پس مرا نجات بده. دعایم را مستجاب فرما و هرچه زودتر نجاتم ده.  
ای خدای عادل، روح خود را به تو می‌سپارم، تو مرا نجات داده‌ای.

به خاطر رحمت پایدار تو شادی و خوشی می‌کنم. تو سختی‌های مرا دیده‌ای و از مشکلاتم آگاهی.

مرا به دست دشمنانم نسپردی، تو مرا آزاد گذاشتی تا هر کجا که بخواهم بروم.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Sei mir ein starker Fels und eine Burg, dass du mir / helfest! \* Um deines Namens willen wollest du mich lei- / ten und führen.  
HERR, auf dich / traue ich, \* lass mich nimmermehr zu- / schanden werden,  
errette mich durch deine Ge- / rechtigkeit! \* Neige deine Ohren zu mir, / hilf mir eilends!  
Ich befehle meinen Geist in deine / Hände; \* du hast mich erlöst, / HERR, du treuer Gott.  
Ich freue mich und bin fröhlich über deine / Güte, \* dass du mein Elend ansiehst und dich in der Not / meiner annimmst  
und übergibst mich nicht in die Hände des / Feindes; \* du stellst meine Fü- / ße auf weiten Raum.  
Ehre sei dem Vater und dem / Sohne \* und dem Hei- / ligen Geiste,  
wie es war im Anfang, jetzt und / immerdar \* und von Ewigkeit zu E- / wigkeit. Amen.

## Lesung aus dem Alten Testament

Amos 5,21-24

- 21 خداوند می‌فرماید: «من از عیدهایتان بیزارم و از محافل مذهبی شما نفرت دارم.
- 22 قربانی‌های سوختنی و هدایای آردی شما را نمی‌پذیرم و به قربانی حیوانات چاقی که جهت شکرگزاری می‌آورید توجهی ندارم.
- 23 سرود حمد خود را به گوش من نرسانید. نوای چنگ شما را نمی‌شنوم.
- 24 به عوض، بگذارید که عدالت مثل آب و انصاف مانند نهري همیشه در جریان باشد.

## Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

1. Korinther 13,1-13

- 1 اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم ولی محبت نداشته باشم، فقط یک طبل میان تویی و سنج پر سر و صدا هستم.
- 2 اگر قادر به نبوت و درک کلیه اسرار الهی و تمام دانش‌ها باشم و دارای ایمانی باشم که بتوانم کوهها را از جایشان به جای دیگر منتقل کنم، ولی محبت نداشته باشم هیچ هستم!
- 3 اگر تمام دارایی خود را به فقرا بدهم و حتی بدن خود را در راه خدا به سوختن دهم، اما محبت نداشته باشم، هیچ سودی عاید من نخواهد شد.
- 4 محبت بردبار و مهربان است. در محبت حسادت و خودبینی و تکبر نیست.
- 5 محبت رفتار ناشایسته ندارد، خودخواه نیست، خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد.
- 6 محبت از ناراستی خوشحال نمی‌شود ولی از راستی شادمان می‌گردد.
- 7 محبت در همه حال صبر می‌کند و در هر حال خوش‌باور و امیدوار است و هر باری را تحمل می‌کند.
- 8 نبوت از بین خواهد رفت و سخن گفتن به زبانها خاتمه یافته و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت هرگز از میان نخواهد رفت.
- 9 عطایایی مانند معرفت و نبوت، جزئی و ناتمام است.
- 10 اما با آمدن کمال هر آنچه جزئی و ناتمام است از بین می‌رود.
- 11 موقعی که بچه بودم حرفهای بچگانه می‌زدم و بچگانه تفکر و استدلال می‌کردم. حال که بزرگ شده‌ام از روشهای بچگانه دست کشیده‌ام.
- 12 آنچه را اکنون می‌بینیم مثل تصویر تیره و تار آینه است ولی در آن زمان همه چیز را روبه‌رو خواهیم دید. آنچه را که اکنون می‌دانیم جزئی و ناکامل است، ولی در آن زمان معرفت ما کامل خواهد شد یعنی به اندازه کمال معرفت خدا نسبت به من!
- 13 خلاصه این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان و امید و محبت، ولی بزرگترین اینها محبت است.

## Evangelium

Markus 8,31-38

- 31 آنگاه عیسی به تعلیم شاگردان پرداخت و گفت: «لازم است پسر انسان متحمل رنجهای زیادی شده و به وسیله رهبران و سران کاهنان و علما طرد و کشته شود و پس از سه روز زنده گردد.»
- 32 عیسی این موضوع را بسیار صریح گفت. به طوری که پطرس او را به گوشه‌ای برده، سرزنش کرد.
- 33 اما عیسی برگشت و به شاگردان نگاهی کرد و با پرخاش به پطرس گفت: «از من دور شو، ای شیطان، افکار تو افکار انسانی است، نه خدایی.»
- 34 پس عیسی مردم و همچنین شاگردانش را پیش خود خواند و به ایشان فرمود: «اگر کسی بخواهد از من پیروی کند، باید خود را فراموش کرده، صلیب خود را بردارد و به دنبال من بیاید.
- 35 زیرا هرکه بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد، اما هرکه به خاطر من و انجیل جان خود را فدا کند، آن را نجات خواهد داد.
- 36 چه سود دارد که آدم تمام جهان را ببرد اما جان خود را بیازد؟
- 37 و انسان چه می‌تواند بدهد تا جان خود را باز یابد؟
- 38 بنابراین، هرکه از من و تعالیم من در این زمانه گناه‌آلود و فاسد عار داشته باشد، پسر انسان هم در وقتی که در جلال پدر خود با فرشتگان مقدس می‌آید، از او عار خواهد داشت.»